

جیمز آگوستین جویس

بهترین داستان‌های کوتاه

گزیده، ترجمه و با مقدمه

احمد گلشیری

مؤسسه انتشارات نگاه

تهران ۱۳۸۸

این اثر ترجمه‌ای است از:

JAMES AGUSTINE JOYCE
THE BEST SHORT STORIES

SELECTED, TRANSLATED AND WITH AN INTRODUCTION BY
AHMAD GOLSHIRI
FIRST PRINTING, 2010
TEHRAN, IRAN

جیمز آگوستین جویس
بهترین داستان‌های کوتاه

گزیده، ترجمه و با مقدمه

احمد گلشیری

چاپ اول: ۱۳۸۸

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: عفت سابری

طرح جلد: ا.گ.

اجرا: سعید زانکنانی

لب‌نوگرافر: طیف‌نگار

چاپ: فرنو

شمارگان: ۴۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۱-۵۹۰-۴

حق چاپ محفوظ است.

مؤسسه انتشارات نگاه

تأسیس ۱۳۵۲

دفتر مرکزی: انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری، بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه پنجم

تلفن: ۱۲-۶۶۹۷۵۷۱۱، ۸-۶۶۴۸۰۳۷۷، ۶۶۴۱۶۶۴۰، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

www.entesharatenegah.com

info@entesharatenegah.com

Email: ncgahpublisher@yahoo.com

جویس، جیمز، ۱۸۸۲-۱۹۴۱م.

Joyce, James

بهترین داستان‌های کوتاه جیمز آگوستین جویس / جیمز جویس: گزیده. ترجمه و با مقدمه احمد گلشیری.

تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۸.

۴-۴ ص

ISBN: 978-964-351-590-4

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان به انگلیسی: James Augustine Joyce the best short stories

۱. جویس، جیمز، ۱۸۸۲-۱۹۴۱م. - سرگذشتنامه. Joyce, James-Biography. ۲. داستان‌های ایرلندی - قرن ۲۰م.

۳. داستان‌های کوتاه انگلیسی - نویسندگان ایرلندی. الفب. گلشیری، احمد، ۱۳۲۵. - مترجم.

۱۳۸۸ ب۹۲/ج/ PZ۳ ۸۲۴/۹۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۰۱۸۷۵

فهرست

۹	مقدمه مترجم
.	.
۷۷	خواهرها
۹۱	برخورد
۱۰۵	اعرابی
۱۱۵	ایولین
۱۲۳	پس از مسابقه
۱۳۳	دو عاشق پیشه
۱۵۱	پانسیون
۱۶۲	پاره ابر
۱۸۵	بدیل‌ها
۲۰۳	گل

۲۱۵	حادثة تأثر آور
۲۳۱	روز عشقه در ستاد انتخابات
۲۵۹	مادر
۲۷۹	بخشایش
۳۱۵	مردگان
۳۸۵	سال شمار زندگی

مقدمه مترجم

یک

بهار سال ۱۹۰۰ بود. جیمز جویس همراه پدرش از دابلین، مرکز ایرلند، به لندن آمده بود. جیمز جویس در این سال هجده سال داشت و در دانشگاه دابلین مشغول تحصیل بود. او در ماه آوریل همین سال مقاله‌ای با عنوان «نمایش جدید ایبسن» نوشته بود و در آن به ستایش هنریک ایبسن، نمایشنامه‌نویس بزرگ و نابغهٔ نروژی، پرداخته بود. مقالهٔ او که پیام سپاسگزاری ایبسن را نیز به دنبال داشت، در نشریهٔ معتبر فورتنایتلی ریویو به چاپ رسیده بود و صد و پنجاه شیلینگ، که در آن روزگار مبلغ اندکی نبود، به عنوان حق‌التألیف نصیب نویسنده‌اش کرده بود. جیمز جویس، در واقع، با اولین درآمد خود پدرش را برای گردش به لندن آورده بود.

جیمز جویس برای پدر خود، جان استانیسلاس جویس، به دلیل جسارت‌هایی که از خود نشان می‌داد و داشتن سرشتی متفاوت با دیگران احترامی بسیار قائل بود. جیمز جویس در جایی گفته است: «من بسیار به او علاقه‌مند بودم و حتی اشتباهاتش را هم دوست داشتم. صدها صفحه از نوشته‌هایم و ده‌ها تن از آثارم از او نشأت گرفته‌اند. شوخی‌های گزنده و حتی لوس او مرا از خنده روده‌بر می‌کردند.» جان جویس ظاهراً اشتباهات زیادی در زندگی داشت که یکی از آن‌ها به باد دادن املاک خود در شهر زادگاهش، کارک، بود.

جان جویس، پدر جیمز جویس، بجز چند سالی که در رشته پزشکی دانشگاه کارک نام‌نویسی کرد و درس خواند و بعد رها کرد، به مشاغل زیادی دست زد که از جمله می‌توان به خوانندگی، بازیگری تئاتر، داستان‌نویسی، کار در کارخانهٔ مخمرسازی، مأموریت جمع‌آوری مالیات، و فعالیت برای انتخاب نمایندگی مجلس اشاره کرد. اما از میان این‌ها، نمایندگی مجلس برای او جاذبهٔ بیش‌تری داشت، به‌خصوص که یکی از رهبران ملی‌گرا، به نام چارلز پارنل، علاقهٔ او را به خود جلب کرده بود. جان استانیسلاس جویس در سر این خیال را می‌پروراند که به‌زودی به نمایندگی مجلس انتخاب می‌شود و در سایهٔ رهبری چارلز پارنل زندگی آسوده‌ای برای خود و خانوادهٔ پرجمعیتش به‌وجود می‌آورد.

اما رقیبان چارلز پارنل، که پیروزی او را در انتخابات قطعی می‌دیدند، برای زمین زدن او به پا خاستند و با یافتن لغزشی در زندگی خصوصی او و مطرح کردن آن در روزنامه‌ها هیاهو به‌پا کردند.

به خصوص پیروزیِ دو تن از نمایندگان لیبرال در برابر محافظه کارها، که به دنبال فعالیت مؤثر جان جویس در مبارزات انتخاباتی پیش آمده بود، خشم آن‌ها را برانگیخت. چارلز پارنل در روزنامه‌ها متهم شده بود که با همسر همکار سیاسی خود، ویلیام اوشیای انگلیسی-ایرلندی، روابط پنهانی دارد. البته در این افشاگری چیز تازه‌ای وجود نداشت؛ چون شکار روباه و داشتن روابط پنهانی با همسر دیگران، و به خصوص همسر هم‌مسلمانان، از سرگرمی‌های معمول اشراف و سیاستمداران انگلیس است. با این ترفند چارلز پارنل برق‌آسا از صفحه انتخابات محو شد. رقیبان او یکه‌تاز میدان شدند و پیروزی آسانی را نصیب خود کردند.

ظاهراً تنها مدرکی که مخالفان در اختیار داشتند درخواست طلاق ویلیام اوشیا و جدا شدن از همسرش، خانم کیتی اوشیا، بود که تسلیم دادگاه شده بود. اما افشای رابطه پنهانی و مطرح شدن درخواست طلاق تنها ظاهر ماجرا بود؛ زیرا اصل ماجرا مسئله آزادی ایرلند و تلاش‌هایی بود که چارلز پارنل در راه کسب استقلال ایرلند از خود نشان می‌داد. از میان چهره‌هایی که به مخالفت با چارلز پارنل برخاستند و شدیدترین حملات را نثار او کردند، تیم هیلی، یار نزدیک و قائم‌مقام او بود که سال‌ها دنباله‌رو او بود و به کلیسای کاتولیک ایرلند وابستگی داشت. کلیسای کاتولیک و محافظه‌کار ایرلند، که خواهان تسلط انگلیس بر ایرلند بود و بر سیاست ایرلند تسلط و سیادت داشت، هر مخالفتی را قلع و قمع می‌کرد. حملات این نهاد قدرتمند به اندازه‌ای مؤثر بود که برخی کشیش‌ها از انجام

مراسم عشای ربانی برای مدافعان جیمز پارنل خودداری کردند و حتی یکی از آن‌ها تهدید کرد که چنانچه احساس شود که کسی از مدافعان چارلز پارنل «رویش زیاد شده» به یاری نیرویی که خداوند در اختیارش گذاشته او را به بز تبدیل می‌کند.

جیمز جویس در آثار خود موضوع این خیانت را آورده است. او یک‌جا، در پایان مقاله‌ای که در سن سی‌سالگی دربارهٔ خیانت هم‌زمان چارلز پارنل نوشت، آورده است: «هنگامی که چارلز پارنل از هم‌میهنان ایرلندی‌اش درخواست کرد که او را پیش گرگ‌های انگلیسی نیندازند، به درخواستش پاسخ مثبت دادند و او را پیش گرگ‌های انگلیسی نینداختند اما خودشان او را قطعه‌قطعه کردند.» نکتهٔ دیگری که جیمز جویس از ماجرای چارلز پارنل آموخت آن بود که قهرمانان همیشه از پشت خنجر می‌خورند. به‌هرحال، دست‌های پنهان وسایل افول و شکست چارلز پارنل را هنگامی که در اوج شهرت و قدرت سیاسی بود، و ملت ایرلند یک‌پارچه در پشت سر او قرار داشت، فراهم آوردند. به دنبال این افول و شکست بود که رؤیاهای جان جویس، پدر جیمز جویس، نیز رنگ باخت. او حتی شغل خود را که جمع‌آوری مالیات بود و به پاس خدماتش به حزب لیبرال به او تفویض شده بود، از دست داد.